

پیش‌خواب

به بهانه انتشار خاطرات شماری از زندانیان کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک

شکنجه‌گاه «تاریک روشن»

■ **شاهد توحیدی**



تدوین و انتشار آثاری در باب نحوه رفتار با زندانیان کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک، در زمره اقدامات ارزنده و ماندگار مدیران موزه عبرت ایران به شمار می‌رود. این موزه در

حدود دو دهه‌ای که از تأسیس آن می‌گذرد، توانسته است با راه‌اندازی انتشاراتی پر کار، کتب متعددی در باب شکنجه و شکنجه‌شدگان کمیته به بازار نشر عرضه دارد. اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، در زمره اینگونه کتاب‌هاست که خاطرات تنی چند از زندانیان کمیته را در بر دارد. این مجموعه که توسط سیدسعید غیاثیان تدوین شده، در صدر خود دیباچه‌ای دارد که بخش‌هایی از آن به قرار ذیل است: «شکوه زندگی و هنر مردان بزرگ تاریخ‌ساز الهی این است که آنان به‌تنها سالکان طریق معرفت و کمال که الگویی بس‌سیار سازنده و هدایتگری سعادت‌آفرین برای انسان‌ها و مجموعه بشریت به حساب می‌آیند، چنانکه گویی سر تاسر زندگی آنان پیامی است بر جان‌ها و دل‌های دیگر انسان‌ها تا خویشی را باز یافته و کرامت انسانی خود را پاس دارند. آنان مست‌جام‌الست هستند و پروایی از سناغری ندارند. آنان دل در پی دلدار داده‌اند و هراسی از عاشقی ندارند. دل به دریای طوفان‌ها می‌سپارند و دل به دنیا و یاد داده‌اند. تالطم صدای امواج، آنان را به ستوه نمی‌آورد و نگاه آنان تنها به ابی دریاست. آنها از آنجا که عاشق خط سرخ شهادت و عاشقی خدایند، دل‌های پاک خود را در دستان حسین زمان خویش می‌گذارند و می‌گذرند. این‌ها چادیه روح آنان است که به دیگر انسان‌ها می‌آموزند همانند ما زندگی کنید هر چند که در خلوت انسان من و مایه وجود ندارد. پنداری که خداوند ایشان را در گذرگاه‌های

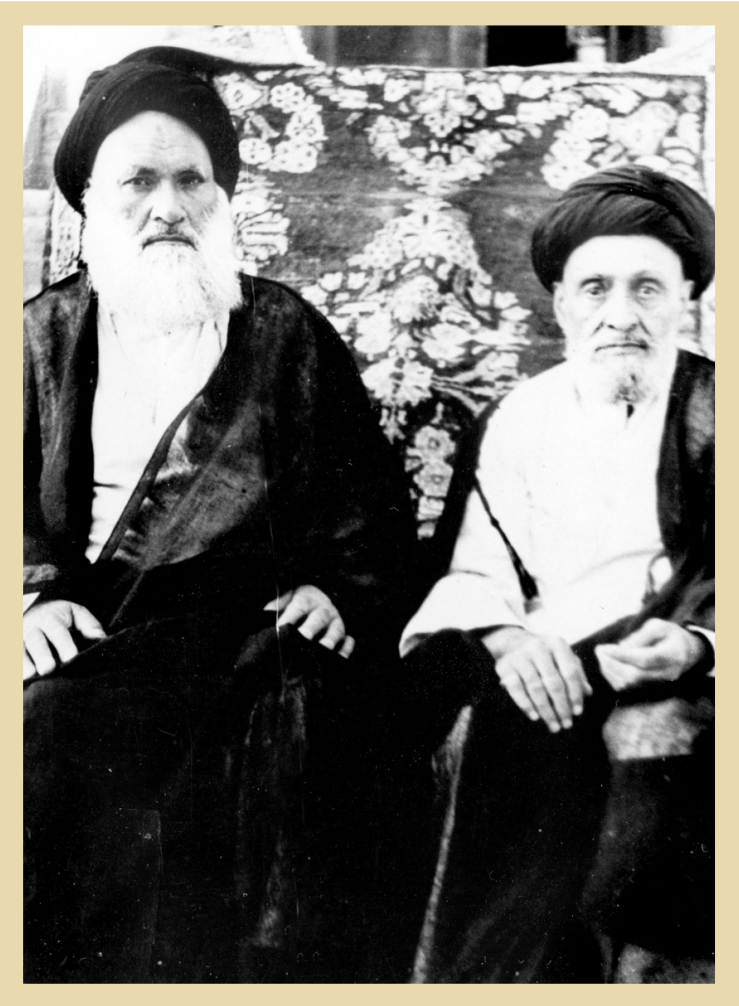


سید ااکرم توحید کسب قلم از کمیته مشترک ضدخرابکاری

تاریخ به‌صورت چراغی فروزان فر اراه بشریت قرار داده تا در پرتو وجودشان کاروان انسانیت از مفاک خاک و سسکو و ظلمت‌رهای یافته و به وادی نور و روشنایی گام نهد. اینان چونان ستارگانی هستند تا واماندگان در تاریکی ظلم و بیدادگری و دلستگی و خشکسالی شهر قم، تعجب همگان را از جمله متفقیانی که در آن دوران در این شهر آرزو زده بودند، برانگیخت. با این همه شخصیت ذوابعاد آن بزرگوار، تنها به علم و عرفان محدود نیست و وی در مواجهه با رویکرد استعماری دولت انگلستان در عراق و ایران نیز سابقه‌ای طولانی و ارجمند داشت. مقالی که در پی می‌آید، بر آن است تا گزارشی از شرکت آیت‌الله خوانساری در انقلاب ۱۹۲۰م عراق ارائه کند. امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های عالم تشیع، مرع‌الاقدر معاصر آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدتقی خوانساری است که همه عمر خود را صرف تهذیب اخلاق و تقویت معنویت در مردم کرد. این عالم بزرگوار جز نجات مسلمین از چنگال متجاوزان استعمار گر و آگاهی امت اسلامی نسبت به مفاهیم توحیدی هدف و مقصود امت نداشت. وی همواره اسطوره زهد و تقوا بود و زخارف و مقامات دنیوی هرگز نتوانست در روح و اراده یگانه او تأثیری بگذارد. ایشان همواره چون سربازی شجاع و جنگجویی کارآزموده در میدان نبرد با مستغران حضور داشت و با شهامت توصیف‌ناپذیر خود به دیگران قوت قلب و روحیه می‌داد.ایشان با قلم و بیان خود، در کنار اسلحه همواره در دفاع از حقوق مسلمین و ستمدیدگان در خط مقدم جبهه بود.انسان‌های شجاع و آزاد در همه فرهنگ‌ها قابل احترام و ارچ و قرب والایی هستند و آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدتقی خوانساری به تمامی به زیور فضائل والای انسانی، از جمله شجاعت و آزادی آراسته بود.

آیت‌الله‌اراکي: «آقای خوانساری بعد از آنکه به جبهه جنگ رفت، عماله را کنار گذاشت و لباس سربازی پوشید و مسلح شد و مثل یک سرباز به جبهه رفت. ایشان می‌گفت که: گلوله توپ می‌آمد و نزدیک من می‌افتاد و چیزی نمی‌ماند که به من بخورد، اما خدا نخواست! خیلی در جبهه جنگ بود تا اسیر شد. چهار سال اسیر انگلیس بود…»



آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدتقی خوانساری در کنار آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، دو ققشینی که در عراق بااستعمارگران انگلیسی جنگیدند

آیت‌الله درون کشتی، در دریا، زندانی بود.یم. به نحوی که نمی‌دانستیم کجای دنیا واقع شده‌ایم! عده‌ای مزدور هندی را برای حفاظت از ما گمارده بودند، به‌طوری که معروف بود، مأموران هندی آدم‌خوار و از کسانی که بودند لذیذترین گوشت‌ها را گوشت انسان می‌دانستند، به همین لحاظ، مأموران هنگام تحویل گرفتن ما از شیفت قبل، دقت زیادی می‌کردند و با قادت ما را می‌شمردند که مبادا فردی از ما را مأموران قبلی خورده باشند.»

جنگ انگلستان افتادند.

■ **آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری و جنگ در منطقه «چنار قلعه»**

آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری یکی از علمای بزرگی بود که در کنار سایر علما و مجاهدین با شجاعت تمام با قوای انگلیس به مقابله پرداخت. ایشان در جوانی جزو علمای صاحب‌نام شیعه بود و در عین حال مثل یک سپاهی زنده و شجاع، دل‌آرانه می‌جنگید.ایشان در دفاع از عراق با مرحوم آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی و مرحوم آقا سیدمحمدرضا بختیاری همراه بود. آنها سه یار حوزوی بودند که اینک سه یار جهادی نیز شده بوده و در سترگ‌های چنار قلعه به دفاع از مرزهای اسلامی مشغول بودند. انگلیسی‌ها با توپ، چنار قلعه را هدف می‌گیرند و آیت‌الله خوانساری با توجه به مهارت‌سی که در تیراندازی به دست آورده بود، همچون روزمندی‌های کارکشته با دشمن می‌جنگد. این مرد بزرگ در تأسی به امیرمؤمنان(ع) و حسین بن علی(ع) که در بحبوحه جنگ صفین و ظهر عاشورا، با یاران خود جبهه فرستاد. مردم بغداد از مجاهدین نجف استقبال باشکوهی به عمل آوردند و مغازه‌ها را بستند و به طرف دروازه‌های شهر هجوم بردند. مجاهدین نجف به علت طغیان رودخانه و تیراب رفتن بل ورودی بغداد با قایق به شهر منتقل شدند.

■ **فرزاد و فرودهای یک جنگ نابرابر**

صداور احکام جهاد از سوی علما و مراجع بزرگ سبب گردید که مردم برای حضور در جبهه‌های جنگ تشویق شوند. نیروهای عثمانی نتوانستند در جبهه قرنه، محل اتصال گذشته و فرات، در برابر نیروهای انگلستان مقاومت کنند و پراکنده شدند. اما اتحاد نیروهای مردمی و علمای پیشتروی ارتش انگلستان را کند کرد و جبهه اصلی جنگ به ناحیه کوت‌العماره کشیده شد. نبرد غیرمتمركز و چریکی مجاهدین، نیروهای انگلیسی را فلج و زمینگیر کرد و علما و روحانیون با ایثار و از خود گذشتگی بسپار، مانع از پیشروی قوای انگلیس به سمت بصره شدند. متأسفانه ضعف دولت عثمانی و عدم یبرهت نیروهای عثمانی از مجاهدین سبب گردید که سرانجام بصره به دست قوای انگلیس تصرف شود. جاوید پاشا، فرمانده نظامی عملیات ارتش عثمانی عزل و سلیمان سسگرگی بیگ به جای او منصوب شد. سیدمحمد حدیری و فرزندانش، آیت‌الله شیخ فتح‌الله اصفهانی، آیت‌الله حاج سیدمصطفی کاشانی، آیت‌الله واکظمین را رهبری می‌کرد و علاوه بر صدور فتوای حکم جهاد، فرمان پرداخت اموال برای بسیج مردم را هم صادر کرد. در اسفند سال ۱۲۸۳ گروه بزرگی از مجاهدین به رهبری آیت‌الله حاج سیدمصطفی کاشانی و آیت‌الله شیخ فتح‌الله معروف به شیخ‌الشریعه اصفهانی از مراجع تقلید و علمای بزرگ عراق، از نجف به سوی بغداد حرکت کردند. آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، آیت‌الله محمدتقی خوانساری و عده زیادی از طلاب و روحانیون جوان در این گروه شرکت داشتند. آیت‌الله حاج سیدمصطفی کاشانی از آیت‌الله سیدمحمدکاظم بزدی، از مراجع بزرگ تقلید آن دوره برای شرکت در جهاد علیه نیروهای متجاوز انگلستان به سرزمین‌های

■ **شاهد توحیدی**
عالم مجاهد زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدتقی خوانساری (متولد اردیبهشت ۱۲۶۷ق و در ماه مبارک رمضان) از نمادهای معنویت، علم و جهاد در دوران معاصر به شمار می‌آید. در مکان‌ت عبادی و عرفانی وی همان بس که نماز باران او در دوره خشکسالی شهر قم، تعجب همگان را از جمله متفقیانی که در آن دوران در این شهر آرزو زده بودند، برانگیخت. با این همه شخصیت ذوابعاد آن بزرگوار، تنها به علم و عرفان محدود نیست و وی در مواجهه با رویکرد استعماری دولت انگلستان در عراق و ایران نیز سابقه‌ای طولانی و ارجمند داشت. مقالی که در پی می‌آید، بر آن است تا گزارشی از شرکت آیت‌الله خوانساری در انقلاب ۱۹۲۰م عراق ارائه کند. امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های عالم تشیع، مرع‌الاقدر معاصر آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدتقی خوانساری است که همه عمر خود را صرف تهذیب اخلاق و تقویت معنویت در مردم کرد. این عالم بزرگوار جز نجات مسلمین از چنگال متجاوزان استعمار گر و آگاهی امت اسلامی نسبت به مفاهیم توحیدی هدف و مقصود امت نداشت. وی همواره اسطوره زهد و تقوا بود و زخارف و مقامات دنیوی هرگز نتوانست در روح و اراده یگانه او تأثیری بگذارد. ایشان همواره چون سربازی شجاع و جنگجویی کارآزموده در میدان نبرد با مستغران حضور داشت و با شهامت توصیف‌ناپذیر خود به دیگران قوت قلب و روحیه می‌داد.ایشان با قلم و بیان خود، در کنار اسلحه همواره در دفاع از حقوق مسلمین و ستمدیدگان در خط مقدم جبهه بود.انسان‌های شجاع و آزاد در همه فرهنگ‌ها قابل احترام و ارچ و قرب والایی هستند و آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدتقی خوانساری به تمامی به زیور فضائل والای انسانی، از جمله شجاعت و آزادی آراسته بود.

عاریخ

کفت وگرم ۸۸۴۹۸۴۳۷

آیت‌الله سیدمصطفی کاشانی، آیت‌الله میرزا مهدی خراسانی و سیدعلی تبریزی برای او نامه فرستادند و از او خواستند همگام با سایر مسلمانان در قیام علیه انگلیسی‌ها شرکت کند. حتی آیت‌الله شیخ عبدالکریم جزائری هم که شیخ خزعل مقلد وی بود، برای او نامه‌ای فرستاد و از او خواست که در برابر قوای انگلیس مقاومت کند، اما شیخ خزعل که با انگلستان روابط حسنه داشت، دعوت علما را ناپایده گرفت، لکن سربازان مسلمان هندی تحت فرماندهی ارتش انگلستان با صدور اعلامیه جهاد علما از دستور فرماندهان انگلیسی خود سرپیچی کردند. سسر انجام نبرد کوت‌العماره به سپروزی نیروهای نظامی عثمانی و مجاهدین انجامید و قوای انگلیس با تحمل خسارت‌ها و تلفات فراوان در کوت‌العماره محاصره و تسلیم ارتش عثمانی شدند. این شکست مانع از پیشروی نیروهای انگلیسی و تغییر جبهه جنگ به ناحیه جبل حمرین شد تا انگلیسی‌ها از طرف سوریه به بغداد حمله کنند.

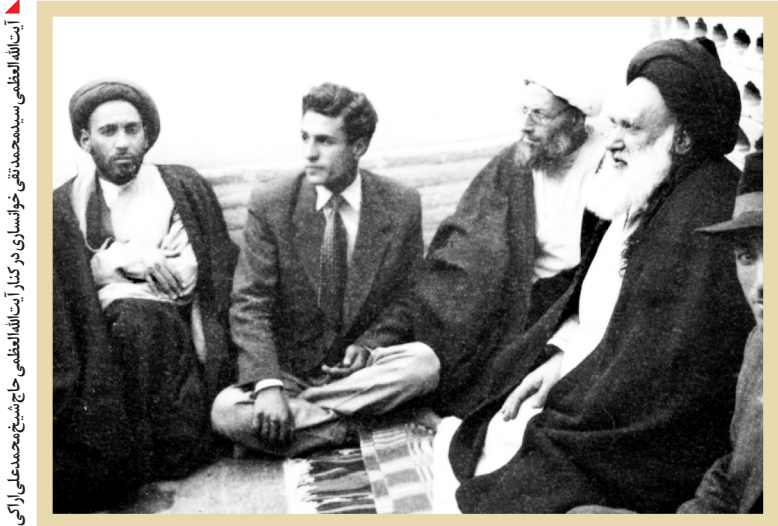
انگلیسی‌ها نمی‌توانستند از جنوب عراق به بغداد نفوذ کنند و در مناطق نکریت، رسادی، مناطق جنوبی کردستان و اطراف عراق وسطی با مقاومت جدی مردم و مجاهدین روبه‌رو و با مشکلات زیادی مواجه شدند انگلیسی‌ها تنها پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول بود که توانستند عراق را اشغال کنند. آیت‌الله حاج سیدمصطفی کاشانی که با وجود کپولت سن، دو سال تمام در کنار مجاهدین عراقی با نیروهای اشغالگر انگلستان جنگیده بود، در شب ۱۹ رمضان سال ۱۳۳۷ در کانملین از دنیا رفت. شکست آلمان در جنگ جهانی اول، موجب فروپاشی دولت عثمانی شد و دولت‌های انگلستان و فرانسه سرزمین‌های عثمانی را تصرف کردند. لبنان توسط فرانسه تسخیر شد و عراق و فلسطین هم به جنگ انگلستان افتادند.

■ **آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری و جنگ در منطقه «چنار قلعه»**

آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری یکی از علمای بزرگی بود که در کنار سایر علما و مجاهدین با شجاعت تمام با قوای انگلیس به مقابله پرداخت. ایشان در جوانی جزو علمای صاحب‌نام شیعه بود و در عین حال مثل یک سپاهی زنده و شجاع، دل‌آرانه می‌جنگید.ایشان در دفاع از عراق با مرحوم آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی و مرحوم آقا سیدمحمدرضا بختیاری همراه بود. آنها سه یار حوزوی بودند که اینک سه یار جهادی نیز شده بوده و در سترگ‌های چنار قلعه به دفاع از مرزهای اسلامی مشغول بودند. انگلیسی‌ها با توپ، چنار قلعه را هدف می‌گیرند و آیت‌الله خوانساری با توجه به مهارت‌سی که در تیراندازی به دست آورده بود، همچون روزمندی‌های کارکشته با دشمن می‌جنگد. این مرد بزرگ در تأسی به امیرمؤمنان(ع) و حسین بن علی(ع) که در بحبوحه جنگ صفین و ظهر عاشورا، با یاران خود جبهه فرستاد. مردم بغداد از مجاهدین نجف استقبال باشکوهی به عمل آوردند و مغازه‌ها را بستند و به طرف دروازه‌های شهر هجوم بردند. مجاهدین نجف به علت طغیان رودخانه و تیراب رفتن بل ورودی بغداد با قایق به شهر منتقل شدند.

صداور احکام جهاد از سوی علما و مراجع بزرگ سبب گردید که مردم برای حضور در جبهه‌های جنگ تشویق شوند. نیروهای عثمانی نتوانستند در جبهه قرنه، محل اتصال گذشته و فرات، در برابر نیروهای انگلستان مقاومت کنند و پراکنده شدند. اما اتحاد نیروهای مردمی و علمای پیشتروی ارتش انگلستان را کند کرد و جبهه اصلی جنگ به ناحیه کوت‌العماره کشیده شد. نبرد غیرمتمركز و چریکی مجاهدین، نیروهای انگلیسی را فلج و زمینگیر کرد و علما و روحانیون با ایثار و از خود گذشتگی بسپار، مانع از پیشروی قوای انگلیس به سمت بصره شدند. متأسفانه ضعف دولت عثمانی و عدم یبرهت نیروهای عثمانی از مجاهدین سبب گردید که سرانجام بصره به دست قوای انگلیس تصرف شود. جاوید پاشا، فرمانده نظامی عملیات ارتش عثمانی عزل و سلیمان سسگرگی بیگ به جای او منصوب شد. سیدمحمد حدیری و فرزندانش، آیت‌الله شیخ فتح‌الله اصفهانی، آیت‌الله حاج سیدمصطفی کاشانی، آیت‌الله واکظمین را رهبری می‌کرد و علاوه بر صدور فتوای حکم جهاد، فرمان پرداخت اموال برای بسیج مردم را هم صادر کرد. در اسفند سال ۱۲۸۳ گروه بزرگی از مجاهدین به رهبری آیت‌الله حاج سیدمصطفی کاشانی و آیت‌الله شیخ فتح‌الله معروف به شیخ‌الشریعه اصفهانی از مراجع تقلید و علمای بزرگ عراق، از نجف به سوی بغداد حرکت کردند. آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، آیت‌الله محمدتقی خوانساری و عده زیادی از طلاب و روحانیون جوان در این گروه شرکت داشتند. آیت‌الله حاج سیدمصطفی کاشانی از آیت‌الله سیدمحمدکاظم بزدی، از مراجع بزرگ تقلید آن دوره برای شرکت در جهاد علیه نیروهای متجاوز انگلستان به سرزمین‌های

■ **آیت‌الله خوانساری در اسارت انگلیسی‌ها**
انگلیسی‌ها به اسرای غیر عرب سختگیری بیشتری می‌کردند. آنها اغلب مجاهدان دستگیر شده عراقی و عرب را با سسردن تعهد آزاد کردند، اما در مورد اسرای غیر عرب سختگیری می‌کردند. از این روی آیت‌الله خوانساری را با عده‌ای از اسرای غیر عرب از بصره با کشتی به اردو گاهی در شرق آسیا بردند. مجاهدین هندی این کشتی، گرفتار او را با خشونت دیگر از علما، در کنار سلیمان سسگری بیگ در صف اول پیکار علیه انگلستان وارد شدند و مسئولیت رسیدگی به جبهه‌های مختلف را به‌عهده گرفتند. جهت‌کنزلی سببیه و هویزه در مناطق مرزی خوزستان تحت کنترل شیخ خزعل بودند و به دلیل وجود چاه‌های نفت، برای انگلستان اهمیت زیادی داشتند. علمای عراق از شیخ خزعل دعوت کردند به جهاد علیه نیروهای انگلستان، پیوستند. از جمله آیت‌الله شیخ فتح‌الله اصفهانی،



آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدتقی خوانساری در کنار آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ‌محمدعلی اراکی

او افتاد. دیدم دارد رنگ‌به‌رنگ می‌شود و گاهی سفید می‌شود. فهمیدم در فکر افتاده و قلبش قلب و انقلاب پیدا کرده است. آدمم راست شوم به او بگویم: ای برادر چرا فکر می‌کنی و در چه فکری و چرا خودت را اذیت می‌کنی؟ این چه فکری است که تو را قلب و منقلب کرده است. دیدم زبان من فارسی یا عربی است و زبان او هندی، نه من زبان او را می‌فهمم و نه او زبان مرا می‌فهمد. چه کار کنیم؟ خودم گفتم بروم به هر زبانی، به اشار‌های، به چیزی تسکینش بدهم. تا خواستم بروم، خودش را نداشت در دریا رفت که رفت…»

■ **۴ سال زندان مخوف**

چهار سسال اسارت، آن هم به این شکل مخوف، در اراده ایشان کوچک‌ترین تردید و خللی ایجاد نکرد. به گفته آیت‌الله اراکی، ایشان بواب و دربان قلبش بود، یعنی دلش خالصی از اغیار بود. آیت‌الله حاج شیخ مجتبی عراقی درباره دوران اسارت آیت‌الله خوانساری می‌نویسد: «آیت‌الله خوانساری می‌فرمودند: مدت چهار ماه متوالی درون کشتی، در دریا زندانی بودیم، به‌نحوی که نمی‌دانستیم کجای دنیا واقع شده‌ایم تمام اطراف کشتی را آب فراگرفته بود. عده‌ای مسزور هندی را برای حفاظت از ما گمارده بودند، به‌طوری که نقل می‌کردند و معروف بود، مأموران هندی آدمخوار و از کسانی بودند که لذیذترین گوشت‌ها را گوشت انسان می‌دانستند؛ به همین لحاظ، مأموران هنگام تحویل گرفتن ما از شیفت قبل، دقت زیادی می‌کردند و با قدرت ما را می‌شمردند که مبادا فردی از ما را مأموران قبلی خورده باشند. ایشان می‌فرمودند بعد ما را منتقل کردند به زندانی که وسط بیابانی قرار داشت و اطراف آن فقط سسیم خاردار بود. آنجا ظاهرأ ۴۰۰ نفر بودند. نقل می‌کرد یک جوان سیاهپوست از اهالی آنجام‌توجه شد من اهل علم هستم؛ لذا روزها می‌آمد کنار سیم‌های خاردار و من برایش منطق می‌خواندم. نهایتاً، آن جوان وسیله نجات و فرار مرا از آن زندان فراهم کرد.»

■ **روایت‌های شنیدنی درباره ر‌هایی از زندان انگلستان**

درباره ر‌هایی آیت‌الله خوانساری از اسارت روایت‌های زیادی را نقل کرده‌اند، اما در همه آنها چند چیز مشترک وجود دارد. یکی تقوا و دیگری سلوک محبت‌آمیز با دیگران، مقام علمی و صبر و ر‌دباری. یکی از نزدیکان ایشان درباره نحوه آزادی آیت‌الله خوانساری می‌گوید: «یکی از اقرای نزدیک به ایشان نقل کرده که یکی از بزرگان عرب که جزو اسرا بود در انجامدتی از محضر مرحوم خوانساری حکمت و فلسفه فراگرفته و متقابلاً ایشان از آن مرد، زبان انگلیسی می‌آموخته است و چون آن شخص قبل از مرحوم خوانساری آزاد می‌شود، در جهت استخلاص مرحوم خوانساری تلاش می‌نماید و در نتیجه آیت‌الله فقیذ آزاد گردید و به وطن مألوف خود بازگشت. به زادگاه مراجعت می‌نماید.»

آیت‌الله شیخ مجتبی عراقی در این باره می‌نویسد: «حاقبت‌الامر به واسطه بعضی از راجع‌زاده‌های هند از مقام فضل و فلسفه تلمذ می‌نماید، وسیله استخلاص ایشان را فراهم و موجب بازگشتان را آماده می‌نماید. چیزی که کثرت علاقه و شدت احتیاط و مراعات دینی ایشان را می‌رساند و از بعضی بزرگان حوزه علمیه قم شنیده شده، آن است که در مدت حبس کتابی را به ایشان ارائه و از حضرتش تقاضای ترجمه می‌نمایند. البته این تقاضا صدرصد باعث آزادی از حبس و شکنجه و به‌اضافه استفاده‌های فراوان مادی می‌شده است. حضرت آیت‌الله پس از اطلاع از کتاب و اینکه ترجمه‌اش ممکن است موجب گمراهی و ضلالت جمعی از جوانان بی‌اطلاع و ناخردان شود، خودداری از آن فرموده و بدان اقدام نمی‌فرماید. هنگامی که خودداری ایشان را می‌بینند، خشونت و شکنجه‌ها به درجه‌اعلامی رسانند و از انواع اذیت و آزار دریغ نمی‌کنند.»

روژنر نامه نرسد ملت ارگان وقت جمعیت فدائیان اسلام، نحوه آزادی آیت‌الله خوانساری را اینگونه روایت می‌کند: «در جنگ جهانی اول به پای ایشان تیر خورد. سپس ایشان دستگیر و به مدت چهار سال به هند تبعید و در آنجا دچار عارضه قلبی شد که تا آخر عمر ایشان باقی بود. در هند آخرین زندانیان ایشان یک افسر ارشد انگلیسی بود که به‌عنوان جاسوس در حوزه هزار ساله شیعه فعالیت داشته و چون منافقین امروز زیر‌عنوان طلبه حوزه در درس مرحوم آیت‌الله خوانساری شرکت نموده، آقا را شناخته و پس از چهار سال آزار و اذیت، اسباب آزادی ایشان را فراهم کرد.»

■ **و کلام آخر**

آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدتقی خوانساری پس از آزادی از زندان انگلیسی‌ها و در دوره سیاه دیکتاتوری رضاخانی، به تقویت حوزه در کنار آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری زدی پرداخت تا ظرفیت مبارزه با استبداد و استعمار را بالا ببرد. در عین حال به مقابله با کشف حجاب و سیاست ضدفرهنگی پهلوی پرداخت. در سال‌های اشغال ایران توسط متفقین و خشکسالی آن سال‌ها نماز باران خالصانه آیت‌الله خوانساری که منجر به نزول باران رحمت الهی بر این سرزمین شد، قدرت نهایی معنوی‌ای بود که جایگاه مرجعیت شیعه را به رخ اشغالگران و عوامل داخلی آنها کشید. حضور مؤثر این عالم بزرگ شیعه در مبارزات ملی شدن نفت در ایران نشان داد که ذره‌ای از استعمارستیزی این عالم دینی به‌رغم گذر زمان و چسبیدن طمع اسارت در اردوگاه انگلیسی‌ها کاسته نشده‌است. آیت‌الله خوانساری شخصیت جامعی داشت. شجاعت، دیانت، علم، صداقت، وفاداری، استقامت و پایداری، عبادت و تقوا از چوه شخصیتی ایشان بود.